یادداشت

چند پیشنهاد برای زمان مطالعه کتاب

مهدی مسعودی
مدیرکل پژوهش و فیلمنامه معاونت سیما

از بحث‌های مهم این روزها، بحث کتـاب اسـت. سـی‌وچهارمین نمایشگاه کتاب و شور و شوقی که در کشور ایجاد شده، نشان‌دهنده این امر اسـت. احتمالاً به مصلای تهران محل برگـزاری این رویداد بزرگ فرهنگی سر زدید یا در برنامه شما قرار گرفته که از این همایش بزرگ فرهنگی بازدید کنید. با این وجود یکـی از نـکات در زندگی امروزه ما نداشتن وقت برای مطالعه است. همان مشکلی که شاید باعث شده چند کتابی را هم که قبلاً خریدید، هنوز مطالعه نکردید. بله، معضلی به نام وقت مناسب برای مطالعه، یعنی زمانی که هم وقت مناسبی پیدا شـود و هم آرامش ذهن برای مطالعه داشته باشیم و هم البته خسـته کار و زندگی نباشیم. زمانی که راحت بنشینیم پای کتاب و از خواندن آن لذت ببریم.

اگر مرد خانه باشید، از صبح سر کار می‌روید و عصر با هزار خستگی به خانه بر می‌گردید. تازه زمان وقت گذاشتن برای بچه‌ها و احتمالاً انجام کارهای مردانه خانه است. شب هم کنار خانواده شام می‌خورید و اخبار یا فیلم می‌بینید و بعد از آن هم وقت خواب فرار می‌رسد.

اگر خانم خانه باشید و شاغل که خب بعد از کار باید به امورات منزل و بچه‌ها رسیدگی کنید. بخشی از کارهای فردای بچه‌ها را آماده کنید و احتمالاً در بهترین حالت موقع فیلم دیدن اعضای خانواده مشغول درست کردن غذای فردا ظهر بچه‌ها هسـتید و اگر خانم خانه‌دار باشـید درگیر روزمره‌های خانه و بچه‌ها که حقیقتاً برای خود کار سنگینی محسوب می‌شود.

احتمالاً این سؤال در ذهن شما شکل گرفته که پس من چه زمانی فرصت مطالعه پیدا می‌کنم؟ کی وقت کنم بـرای خودم کتاب بخوانم؟ اصلاً فرصتی برای مطالعه می‌ماند... ؟

جواب این سؤال مثبت است. بله وقت هست اما باید آن را مدیریت کنیم. اول از همه باید قبول کنیم که از کتاب دوریم و با خودمان عهد ببندیم که مطالعه را جزو برنامه‌های زندگی خود قرار دهیم. موبایل را کنار بگذاریم و به دامن مهربان کتاب روی بیاوریم.

وقتی با خودمان این قرار را گذاشتیم گام بعدی تعریف زمان مناسب است؛ زمان‌هایی که در طول روز به آن توجه نمی‌کنیم و هدر می‌شود. برای خانم‌های خانه‌دار به نظر می‌رسد بهترین زمان، بعد از رفتن اهل خانه به مدرسه و محل کار است. زمانی که هم آغاز روز است و هم هنوز خسته کار نشده‌ایم. خوب است در این زمان خانم‌های خانه‌دار ۳۰ دقیقه برای کتاب خواندن وقت اختصاص دهند. لزومی هم ندارد حتماً ۳۰ دقیقه را کامل کتاب بخوانید. هر چقدر که حوصله داشتید. اما حتماً هر روز این کار را انجام بدهید تا به مطالعه عادت کنید. وقت را از دست ندهید از همین فردا کتابی دست بگیرید و شروع کنید.

اما خانم‌ها و آقایانی که سر کار می‌روند ممکن است این فرصت را نداشته باشـند. اول از همه به نظر یکی از بهترین زمان‌های مطالعه برای همه صبح اول وقت است، بعد از طلوع آفتاب، واقعاً زمان خوب و مناسبی برای مطالعه است. اما ممکن است بگویید این زمان خواب‌آلود هستیم یا ترجیح می‌دهیم بعد از نماز صبح کمی بخوابیم. پس پیشنهاد بعدی می‌تواند مطالعه در مسیر کار باشد. اگر با وسیله نقلیه عمومی به سر کار می‌روید به نظر، زمان خوبی را برای مطالعه دارید. شـاید با دیدن شما و کتاب، افراد دیگر هم برای مطالعه ترغیب شوند.

اگر زمان‌های بالا برای مطالعه ممکن نشد، یک پیشنهاد خوب دیگر هم هست. نیم ساعت قبل از وقت خواب را به عنوان ساعت مطالعه قرار دهید. ساعتی که همه اهل خانه کنار هم جمع شوند و شروع به خواندن کتاب کنند، مثلاً ساعت ۱۰ تا ۱۰ و نیم شب. ساعت مطالعه می‌تواند یک دورهمی خوب خانوادگی باشد. حتی می‌توانید بعضی روزها کتاب را به صورت جمع‌خوانی بخوانید تا بچه‌های کوچک‌تر و حتی نوجوان‌ها حس خوبی پیدا کنند، تجربه خوبی است. حتماً امتحان کنید.

اما توجه داشته باشـید کتابِ خوب، بخوانید. یکی از آفت‌های مطالعه انتخاب کتاب‌های سنگین از نظر محتوایی یا غیرجذاب است. اگر کتاب خوبی انتخاب نکنیم و جذب آن نشویم احتمالاً بعد از چند روز مطالعه را کنار می‌گذاریم. کتابی انتخاب کنید که شـما را با خودش همراه کند. ممکن است بپرسید چطور کتاب جذابی را که با علایق من سازگار است، پیدا کنم؟

بله سؤال مهمی است. امسال در نمایشگاه کتاب غرفه‌هایی را به نام مشاوره کتاب اختصاص دادند، می‌توانید به آنها مراجعه کنید و برای انتخاب کتاب خوب مشورت بگیرید. علاوه بر آن می‌توانید به سالن یاس در نمایشگاه کتاب سر بزنید و بسته‌های پیشنهادی مطالعاتی را ببینید. بسته‌های مطالعاتی برای همه سنین و سلیقه‌ها آنجا هست. با این شیوه می‌توانید آگاهانه کتاب بخرید و کتابِ خوب، بخوانید.

نمایش خانگی

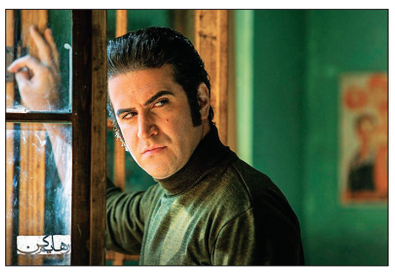

شفاف‌سازی ساترا در خصوص سریال «رهایم کن»

نظر به انتشار برخی سؤالات و ابهامات در خصوص پخش سریال «رهایم کن» از سکوی فیلیمو، ساترا اعلام کرد که این سـریال فاقد مجوز تولید و انتشـار از این نهاد است.

به گزارش «جوان»، ساترا نسـبت به سؤالات و ابهامات مطرح شده در رسانه‌های جمعی در خصوص سـریال «رهایم کن» پاسخ داد. بر این اساس، ساترا در گزارشی اعلام کرد: «با توجه به تفاهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما طبق اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تبلیغات محیطی این سریال که فاقد مجوز است به طور کامل از تمام کشور جمع‌آوری شـده اسـت. همچنین از آنجا که سـازمان تنظیم مقررات رسـانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی یک نهاد تنظیم‌گر است و ضابط قضایی نیست، مکاتبه لازم با قوه قضائیه انجام شده است. لازم به ذکر است رسیدگی به تخلفات سکوها از طریق دادسرای فرهنگ و رسانه یا کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه رایانه‌ای انجام می‌شود که ساترا مأموریت خود را برای هماهنگی با قوه قضائیه انجام داده است.

همچنین با توجه به عضویت نماینده دادستان کل کشور در شورای صدور مجوز انتشار سـاترا و هماهنگی انجام شده از سوی سـاترا با معاونت حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور انتظار می‌رود به‌زودی روند انتشار هرگونه سریال و برنامه نمایش خانگی فاقد مجوز متوقف شود.»

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید احمد قصیر
کوچه چهاردهم غربی پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir
| روزنامه جوان | شماره ۶۷۵۶ | چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ | ۲۶ شوال ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۹:۰۴ | اذان مغرب: ۱۹:۲۴ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۱ | اذان صبح فردا: ۰۳:۱۸ | طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۷ |

در گفت‌وگو با «جوان» مطرح شد

جایگاه کتاب را باید از نو تعریف کرد

مهدی کلهر: کتاب هنوز هم یک سند و میثاق بدون محدوده تاریخ مصرف در اکثر فرهنگ‌ها محسوب می‌شود

■ جواد محرمی

سـی‌وچهارمین نمایشـگاه کتـاب تهران بهانـه خوبی بـود تا «جـوان» سـیر ظهور کتاب در تاریخ بشـر و تحـول آن در تمدن بشری را با مهدی کلهر به گفت‌وگو بنشیند.

■■■

ظهور کتاب در تاریخ بشر منجر به چه تحولات تمدنی شد؟ به عبارت دیگر بشر از زمانی که کتابت آموخت واجد چه ویژگی‌هایی شـد که قبل‌تر از آن برخوردار نبود؟

در میان رسانه‌های ارتباطی که بشر تاکنون با آن سروکار داشته، کتاب از یک شأن قدسی و منزلت فرازمینی برخوردار بوده است، با وجودی که در عصر ما، دسترسی به نوشتار و کتاب هزاران برابر پنج دهه پیش در جهان معاصر آسان‌تر شده است اما هنوز شـأن کتاب حتی با نشریاتی همچون فصلنامه، روزنامه و مجله بسـیار متفاوت است. کتاب هنوز هم یک سند و میثاق بدون محدوده تاریخ مصرف در اکثر فرهنگ‌ها محسوب می‌شود. این تفاوت مثل تفاوت آشکار دستمال کاغذی با شال و دستمال‌های ابریشمین و منقش است.

کتاب که از نوادگان لوح‌های پوستی، استخوانی، سنگی، سـفالین، مسـین، مفرغی و الواح دیگر همچون چوب اسـت، قدر و منزلتی به وسـعت جغرافیا و امتدادی به طول تاریخ دارد. زمانی که بشر گفتن آموخت و به جای آواها و نداها، کلمه را به کار برد توانست در جهان گفت‌وشنود و گویش متکی بر احساس و اندیشه جهت رشد و توسعه قرار گیرد. این نیاز که بشر محصول اندیشه ذوق و احساس خویش را در فاصله‌ای دورتر و یا در زمانی دیرتر به مخاطبی در آینده برساند، ضرورت نگارش و نوشتار و داشتن قلم و لوح را برای او آشکار کرد. این حیوان ناطق، حیوانی که فراتر از غرایز حیوانی، امتیاز اندیشه‌ورزی به او اهدا شده بود پیش از اینکه توانایی گویش و مکالمه داشته باشد، می‌توانست تمدن خودش را، همچون زنبور عسل و موریانه بسـازد و به آن بپردازد. اما به جز اندیشه‌ورزی و اندیشه‌بازی و اندیشه‌آفرینی تمدن‌های بشری، یک دور تکراری و یکنواخت همچون شهرهای موریانه‌ها و میمون‌ها و گرگ‌ها می‌شد.

آنچه باعث ارتقای بشر و رشد و توسعه تمدن بشری شده، قوانین و چارچوب‌های حفظ حدود و ثغور اجتماعی که به آن مقررات تمدنی گفته می‌شود نیست، چراکه در این حد نازل، نیازی به اندیشیدن و تضارب افکار نیسـت، بلکه در حـد غرایزی که بسـیاری از حیوانات نیز دارند، برای کندوسازی ولانه‌سازی، و زاد و ولد و کار و تولید کافی است. این ایده آل کمونیسم بود و اتفاقاً به آن دست یافت، اما با تمام تلاش و کوشش مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها انسان‌ها حتی در سیبری نشان دادند تفاوت‌های جدی با موریانه‌ها و بابون‌ها دارند، انسان می‌تواند گرسنگی و بی‌خانمانی را تحمل کند اما بی‌صدایی، تنهایی و بی‌اندیشگی را نه.

خداوند متعال هم در قرآن به قلم قسم خورده است و این مقام و منزلت کتابت را نشان می‌دهد، آن هم در کتابی که خود معجزه بزرگ پیامبر خاتم (ص) است.

بله قلم ابزار انتقال پیام بسـیار ارزشمند بشری بوده است که می‌توانسته پیام انسان نخستین را روی سنگ‌ها، درخت‌ها و پوست‌ها به انسان‌هایی بسیار دورتر و در زمان‌هایی دیرتر برساند. کتابت از آن جهت بسیار محترم بوده است، چند عنصر در مکاتب الهی بسیار محترم و قدسی است؛ قلم، (ن والقلم و ما یسطرون، سـوگند به قلم، و آنچه می‌نگارد). کلمه، کوچک‌ترین واحد زبان است. (کلمه‌الله هی العلیا) کتب علیکم الصیام، کما کتب علی الذین من قبلکم، کتب علیکم القتال، کما کتب علی الذین من قبلکم، کتب در قرآن فقط به معنی نگارش و نوشتن نیست، بلکه یک بار بسیار قدسی، ایجابی دارد، کتب به معنی فرض، یعنی واجب شد هست. دیگری لوح اسـت، جایی که قلم‌ها باید آن را منقش کنند و این آخری کتاب است.

یا یحیی، خذالکتاب بقوه، (ای یحیی، کتاب را با تمام توان نگاهدار آن را حفظ کن و به کار گیر). بیش از ۷۰ بار فقط لفظ کتاب در قرآن آمده است و بارها و بارها از همین ریشه کتب، نوشت و نوشتن استفاده کرده است. تأکید بر نوشتن در تمام امور و ایجاد سند و ثبت و تثبیت، اقوال و عقود در همه امور دنیایی و عقبایی توصیه شده است. چرایی و فلسفه آن همانا آفت معارف، عهدها، و قرارها، و اقوال، و عقود اسـت و موجب فراموشی و امحا و پاک شدن می‌شود.

اما کتابـت، از کجـروی و کاسـتی‌ها و کژی‌ها جلوگیری می‌کنـد، کتاب از این نظـر در تمام مکاتب و ادیان از یک جایگاه برتر و والاتری نسبت به سایر بیان‌ها و رسـانه‌ها برخوردار بوده است، کتاب قابلیت مقایسـه، مقابله، مدافعه را دارد، طبیعت نوشتار و کتابت، کاتب را به راستگویی و پرهیز از دروغگویی و او را به انصاف وادار می‌کند، چراکه اگر چنین نکرد، پرونده و اسناد کجروی او همیشه در پیشگاه تاریخ مفتوح است که نهایتاً در

کلهر: تمدن‌هایـی که معارف و علم را طبقاتی کرده و مردم را از نعمت آن محروم کرده‌اند مصداق مستکبرین و مردم آنان مصداق مستضعفین هستند

برابر داوران زمان، (آیندگان تاریخ)، و داوران زمین (بینایان در سراسر گیتی) به محاکمه کشیده شده و رسوا خواهد شد. شاید از این نظر و جهاتی دیگر کتاب، رسانه‌ای قدسی است یا یک رسانه که ناچار باید مطهر بشود است.

این نگاه قدسی به کتاب به نظر می‌رسد دسـت‌کم تا دوران رنسـانس یا عصر معاصر در میان بشر نمود داشته است.

این نوع نگاه توأم با احترام به کتاب، تا زمان اختراع ماشین چاپ نیز در میان همه ادیان و مذاهب و جوامع و فرهنگ‌ها، قابل بررسی است، شاید به همین جهت هم است که اولین کتاب‌هایی که با ماشـین چاپ گوتنبرگ به چاپ رسید کتاب مقدس بود. با اختراع دستگاه چاپ که الحق، رنج بسیار کتابت را بسیار کم نمود اما، وسواس بررسی محتوای کتاب، و هر آنچه در او هست، کمرنگ‌تر و کمرنگ‌تر شـد، و کثرت تألیف و چاپ کتاب، و تکثیر آن امکان مقابله کتاب‌ها را با نسخه اصلی کمتر و کمتر کرد و پس از مدتی سندیت کتاب مورد سؤال قرار گرفت و نویسـندگان نیز لذت روزانه و هفتگی را به تعهدهای وجدان نویسندگی سالیانه و یا پنجاه‌ساله ترجیح دادند. شاید امروز کمتر کسـی به تفاوت عمر کتاب و فصلنامه یا ماهنامه، توجـه کند. بسـیارند کتاب‌هایی که قیمت جلد گالینگور، و طلاکوب‌شان از قیمت محتوای‌شان بیشتر است.

کتابت گویا در بقـا و زوال تمدن‌ها هم نقش مهمی ایفا کرده است.

تمدن‌های بی‌شـماری آمدند و رفتند، اما هیچ نشانی و یا کمتر نشـان و ردی از آنان باقی مانده اسـت، در حالی که، در شمشیرزنی، نیزه‌اندازی، و کشتیرانی چیره دست بودند، آنها، به جز جنگ و ستیز، در کشت و زرع و سـاخت خشت و کاخ نیز کم‌نظیر یـا بی‌نظیر بوده‌اند، ایـن تمدن‌ها، برج‌ها ساخته‌اند، زیگورات‌ها سـاخته و اهرام را به پا کردند، برخی از آنان، چیرگی در عمل را بر چیرگی بر علم، ترجیح می‌دادنـد. عمل را برای عمال و عمله‌ها و عامه مردم و همان علم اندک را برای حاکمان، جهت ادامه حکومت‌های ظالمانه خویش بر توده‌ها، نگاه داشته‌اند.

تمدن‌هایی که معارف، علم و فنـون را طبقاتی کرده و عموم مردم را از نعمت، معارف، مهارت‌ها، کتابت‌ها، قرائت‌ها، و کسب معارف محروم کرده‌اند، آنها مصداق مسـتکبرین، و مردم آنان، مصداق مستضعفین بوده و هستند. ساسانیان و انوشیروان دادگر که به عدالت شـهره بود، جامعه را به چند طبقه تقسـیم کرده بود. این طبقات نه براساس طبقات مالی و اقتصادی که امروزه مسـئله چند قرن اخیر جهان نیز هست، بلکه، از جهت تعلیم علم و دانش و مهارت‌های لازم، هم طبقاتی بود، یعنی طبقه پیشه‌ور، حق سـوادآموزی نداشت! حتی اگر یک کفاش هزینه سپاه انوشیروان دادگر را بپردازد فقط به این شـرط که پسـرش سواد خواندن و نوشـتن بیاموزد. همین وضع در دربار فراعنه نیز بود. بزرگ‌ترین مهندسان و معماران را در بناهایی که می‌ساختند زنده به گور می‌کردند که دانـش و مهـارت او نیز مدفون شـود و آنچه تمدن‌هایـی را تا به اینجا زنده و پایدار رسـانده، پرداخت زکات علوم یعنی انتشار علم بوده است، تمدن‌هایی که در انتشار و توزیع علوم، خساست نکرده، بلکه راه سخاوت در پیش گرفته‌اند، حتی در حالی که مغلوب یک دشمن بوده‌اند و فرزندان آن دشـمن غالب را بـه فرزندخواندگی معنوی پذیرفته، تمدن‌هایی که از طریق الواح، کتیبه‌ها، و کتب و آنچه در عرصه علم و هنر به دیگر نقاط و پهنه زمین، و آیندگان در امتداد زمان، منتقل کرده‌اند، بیشـتر از برکت جاودانگـی بهره‌مند شده‌اند. بسیاری از مغلوبین جنگ‌ها که در انتشار علم و معارف حتی در دربار دشمنان و به فرزندان دشمنان خویش، کم نگذاشته و خست به خرج نداده‌اند دیری نپاییده که، از این طریق بر کرسی همان حاکمان تکیه زده‌انـد. همچون چیرگی علمی و معرفتی ایرانیان بر مغولان.

آتش‌زدن کتابخانه‌ها از سوی مهاجمان می‌تواند ناظر به همین حقایق صورت گرفته باشد؟

فکر می‌کنید چرا مستکبرین، به محض تسلط بر سرزمینی، اول به آتش زدن کتاب‌ها و الواح دست زده‌اند. آنها فکر می‌کردند که با سوزاندن کتاب‌ها علوم را نابود می‌کنند و با نابودی علوم عقول را در اختیار می‌گیرند، شاید در اندک زمانی و در اندک مردمی، وقفه‌ای ایجاد شود اما دانش زندگی و نور است و نادانی مرگ و تاریکی. هیچ کتاب‌سوزانی در هیچ نقطه از تاریخ، نتوانسته، ریشه علم و معرفت را بسـوزاند، بلکه پس از مدتی کوتاه جوانه‌های نورسته، با سرعت به پا خواسته‌اند.

فیلم ارزشمند فارنهایت ۴۵۱ فرانسوا تروفو، نیم قرن پیش از همین خصلت شـیطانی استکبار، سخن می‌گفت؛ استکباری که در نیمه قرن دوم از سلطه سیاسی، نظامی، اقتصادی بر سرزمین‌ها فراغت پیدا کرده بود در آخرین گام درصدد سلطه بر عقول و قلوب بود، نه از طریق اغفال و اغوا بلکه از طریق قطـع ارتباط ملت‌ها بـا مواریث علمی، فرهنگی، هنری و معرفتی گذشته خویش.

هنوز فیلم فارنهایت ۴۵۱ بـرای همه جهان زیر سلطه فکری، ذوقی، معرفتی، فرهنگی مستکبرین حرف‌هایی برای گفتن دارد. این فیلم، رابطه کتاب، کتابخوانی، و مکتوبات را با هویت‌های ملی، عرفانی همه ملل به صورتی خاص بیان می‌کند.

نقش شبکه‌های مجازی در فرآیند کتاب و کتابت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شبکه‌های مجازی و الکترونیک، حکم شمشیر دولبه‌ای را دارند که یک سوی آن گاوداری‌های سامری آخرالزمانی اسـت، که به نوبت ایستاده و بازار پر رونقی هم دارند، پر از رنگ و نام و ننگ، پر از شور و حال و سوت و قال و در دیگر سو، موسی و هارون‌ها، با الواح و فرامین الهی، به صف، در انتظار طالب‌های حقیقت هسـتند، هم اغواگری‌های خرهای دجـال آخرالزمانـی رونـق دارد و هم کتاب‌های مفید مجازی که به راحتی در اختیار همگان به سهولت، قرار دارد اما قطعاً شیاطین از همگانی شدن علم استقبال نخواهند کرد. جایگاه رسـانه‌ها و کتاب و کتابت در این روزگار نیازمند یک بازنگری اساسی است. اگر جهان در حال یک تغییر اساسی و جدی اسـت که هست پس باید امر اطلاع‌رسانی که محتاج یک بازبینی، بازیابی، نوسازی است دوباره سازماندهی شود.

شـهید بزرگوار مطهری (ره) بنا بر روند اتفاقات فرهنگی و معرفتی در آخرالزمان می‌گوید جهان به دو جریان فرهنگی تقسـیم می‌شود؛ جریان عدالتخـواه (مسـتضعف) و جریان سـلطه‌گر (مستکبر). هر دو جریان با ساز و کارهای خویش، یکی برای گسـترش فرهنگ عدالتخواهی برای بسترسـازی منجی جهانی توسـط محرومین و مسـتضعفان جهان و یکی هم با شیوه گسترش اغوا و نیرنگ و فریـب برای اغفـال محرومین و مستضعفین و توسعه جهالت و ذلت‌پذیری انسان مشغول به هواها و هوس‌ها، و غافل از حقایق.

به نظر می‌رسـد کتابت و کتاب در این جهـان تعریفی نو و منطبـق با اوضاع زمانه می‌طلبد.

بله جایگاه کتاب را باید در این جهان بی حیا، اما مشتاق از نو تعریف کرد.

حکمت

امام صادق علیه‌السلام:
مبادا کاری کنید که ما را بدان سـرزنش کنند؛ همانا پدر را به کردار فرزند بد، سرزنش کنند. برای کسی که به او دل داده‌اید (امـام خـود) زینت باشید و عیب و ننگ نباشید.
بحارالانوار، ج۸۵، ص ۱۱۹

نما | حسین کشتکار

گفت‌وگوی ۲

در گفت‌وگوی «جوان» با رئیس پژوهشگاه کتابخانه ملی مطرح شد

مهم‌ترین جنبه نمایشگاه کتاب مردمی بودن آن است

■ محمد صادقی

در روزهای پایانی سی‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتـاب تهران، بـا افزایـش میـزان بازدیدکننـدگان و بالارفتن رقم فروش نمایشگاه، نیاز به نگاه کارشناسی در خصوص عملکرد و جایگاه نمایشگاه کتاب در توسعه فرهنگ کتابخوانی، نمایان‌تر شده است. دکتر غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشـگاه سازمان اسـناد و کتابخانه ملی، در گفت‌وگو با «جوان» بـه موضوع تأثیر فرهنگی برگزاری نمایشـگاه کتاب و کارکردهـای آن پرداخته است. از نگاه این نویسنده و پژوهشگر، نمایشگاه کتاب مسـئولیت رسـاندن خوراک فکری به جامعـه را دارد.

■■■

نمایشگاه کتاب مطلوب چه کارکردی دارد؟

نمایشـگاه کتاب فرصتی است که به ناشـران و مخاطبان داده می‌شود تا در فضایی تعاملی و چهره به چهره به عرضه و خرید کتاب‌ها در موضوعات مختلف بپردازند. مخاطبان از طریق بخش ناشـران خارجی هم می‌تواننـد به منابع کشورهای خارجی دسترسـی پیدا کنند. با توجه به وجود مشکلات ارز و تبادلات بانکی، نمایشگاه کتاب اتفاق مهمی برای ما ایرانی‌ها جهت دسترسـی به آثار منتشر شده در خارج از کشور است. از طرف دیگر فرصت مهم دیدن آثار جدید نیز فراهم می‌شود. شاید در طول سال همه نتوانند به کتاب دسترسی پیدا کنند اما با برگزاری نمایشگاه کتاب این امـر راحت‌تر امکانپذیر می‌شـود و هرچه دسترسـی به کتاب و مطالعه بیشـتر شـود بر جریان‌هـای فکری و آگاهی‌بخشی تأثیر می‌گذارد.

اما دسترسی به کتاب تا حد زیادی مستلزم خرید آن است که به واسطه گرانی‌ها عملاً دسترسی به کتاب سخت شده است!

دولت تا جایی که توانسته سعی کرده از طریق اعطای تخفیف به دانشجویان، طلاب و استادان دانشگاه و حوزه، قدرت خرید کتاب را بالا ببرد اما اکنون کتاب به کالایی بسیار گران به‌ویژه برای دانشـجویان و طلاب تبدیل شده و این موضوع نیاز به افزایش راهکارهای حمایتی برای خرید کتاب را بیشتر کرده است. نمایشگاه کتاب با ایجاد بخش مجازی برای کسانی که در دورترین نقطه کشـور زندگی می‌کنند امکانی را فراهم کرده تا به راحتی به کتاب دسترسی پیدا کنند.

کدام وجه از نمایشـگاه کارکرد فرهنگی بیشتری دارد؟ فروشگاهی بودن آن یا نمایشگاهی بودنش؟!

نباید در تأثیرگذاری فرهنگی نمایشگاه کتاب در رساندن خوراک فکری و اندیشه‌ای به مخاطبان شک کنیم. تمام دنیا نمایشگاه کتاب را برگزار می‌کنند؛ آنها به این نتیجه رسیدند که مردم حتی باید در نمایشگاه‌های کتابی که فروش ندارند نیز حضور داشته باشند و از نزدیک با کتاب‌های منتشرشده آشنا شوند.

پس نفس حضور مردم در نمایشگاه برای آشنایی با کتاب ارزشمند است؟!

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران این حسـن را دارد که هم نمایشگاه و هم فروشگاه است، مردم کتاب‌ها را می‌بینند، انتخاب می‌کنند و می‌خرند. شاید منِ نوعی در نمایشگاه به دنبال یک کتاب خاص باشم، اما با حضور در آن فضا متوجه می‌شوم که باید کتاب‌های دیگری نیز خریداری کنم که از انتشار آنها مطلع نشده بودم. نکته مهم دیگر اینکه حضور ناشران شهرستانی برای ما که در تهران هستیم، فرصت مغتنمی است تا به‌راحتی از آثار منتشرشده در شهرستان‌ها آگاهی پیدا کرده و به آن دسترسی داشته باشیم؛ عکس این موضوع نیز صادق است.

بخش کـودک در نمایشـگاه از بخش ناشـران عمومی جدا شده، این جداسازی و ایجاد فضای اختصاصی می‌تواند بازدیدکننـده کودک را با کتابخوانی آشنا کند؟

در این زمینه چند کار خیلی خوب انجام شـده. جداسازی بخش کودک و دکوربندی و ایجاد فضایی شاد و بانشاط در این بخش، اقدام شایسته‌ای است. تفکیک بخش‌های مختلف نمایشـگاه با توجه به نوع، قشر و سـن مخاطبان نیز اقدام درستی است. به این ترتیب مخاطبان کمتر دچار سردرگمی شده و هدفمندتر به دنبال آثار مورد نظر خود خواهند بود.

کتاب

در نمایشگاه کتاب تهران

ترجمه عربی کتاب «رؤیای امریکایی» رونمایی شد

نشسـت رونمایـی از ترجمـه کتـاب «رؤیـای امریکایی» در غرفـه مجمـع ناشـران انقـلاب اسـلامی برگزار شـد.

نشسـت رونمایی از ترجمه کتاب «رؤیای امریکایی» با حضور گلعلی بابایی، نویسنده کتاب و میساجبر، مترجم عربی کتاب، در غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی برگزار شد.

در ابتدای این نشست میساجبر، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دمشق و مترجم کتاب «رؤیای امریکایی» نکته مهم در انتخاب ایـن کتاب برای ترجمه را ایـن دغدغه مطرح کرد که کشـورهایی مثل امریکا و انگلیس و کشـورهای اروپایی سـعی می‌کنند ما متحد نشویم و از جایی که می‌دانند اگر متحد شویم شکست نمی‌خوریم، سعی کرده‌اند ما را ضعیف کنند.

وی اضافه کرد: «در ترجمه این کتاب من تنها نبودم و سـه تن از اساتید دانشگاه نیز در ترجمه من را همراهی کردند.» میساجبر در مورد سختی و چالش‌های کار ترجمه نیز گفت: ما در ترجمه سعی می‌کنیم تحت‌اللفظی و واژه به واژه ترجمه نکنیم و مفهومی ترجمه می‌کنیم، به دلیل اینکه ممکن است بعضی معانی در فارسی نباشد. مترجم کتاب «رؤیای امریکایی» در توضیح نحوه آشنایی خود با کتاب بیان کرد: کتاب را به من معرفی کردند و من بعد از مطالعه متوجه شدم که این کتاب چقدر می‌تواند به جوانان کمک کند که امریکا و اهداف آن را بشناسند و از نقشه‌های آنها برای تضعیف ما مطلع شوند.

وی ادامه داد: این کتاب یک مستند است و قابلیت مرجع شدن دارد و می‌توانـد در دانشـگاه‌ها تدریس شـود و از همین حیث مخاطبان این کتاب بهتر است دانشگاهی باشند. گلعلی بابایی، نویسنده کتاب «رؤیای امریکایی» نیز با اشاره به سرنوشت مشابه کشورهای جهان سوم بیان کرد: این کتاب بازخوانی جنگ نیابتی ایالت متحده امریکا علیه ایران است اما در واقع پروژه‌ای است که امریکا در اکثر کشورهای اسلامی و جهان سوم اجرا می‌کند.

گلعلی بابایی با بیان این موضوع که منابع مکتوب ذکرشـده در آخر کتاب ۵۴ عنوان اسـت، بیان کرد: برای نوشتن اثری در این سطح قطعاً نمی‌شود با منابع داخلی مخاطب را قانع کرد و شما می‌بینید که اکثر این عناوین کتاب‌های خارجی هستند. بابایی به سندی در ابتدای این کتاب از روزنامه نیویورک‌تایمز در اثبات این موضوع که طرح جنگ ایران و عراق از سال ۱۳۲۹ برنامه‌ریزی شده است، اشاره کرد.

در پایان گلعلی بابایـی در توضیح اینکه عنـوان کتاب درباره امریکایی‌هاسـت، بیان کرد: محرک صدام برای حمله به ایران همان رؤیا و قولی بود که به آنها داده بودند. رؤیای صدام این بود که جایگزین محمدرضا پهلوی و ژاندارم خاورمیانه شود و بر این اساس این اسم انتخاب شد. در ترجمه نیز چند عنوان متفاوت وسط آمد. رؤیا و آرزو معنای متفاوتی دارد و چیزی که در ذهن امریکا بود و به واسطه صدام می‌خواهد به آن برسد، رؤیا مفهوم نزدیک‌تر و بهتری بود.